



## نوروزتان پیروز! پیام کورش مدرسی لیدر حزب

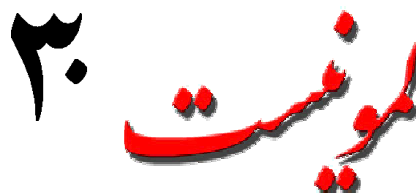
هرچه آزاد تر برای چند روز هم که شده ما، یعنی انسانیت، را بر جمهوری اسلامی تحمیل خواهد کرد.

زنده باد شادی مردم  
زنده باد آزادی و برابری  
زنده باد سوسیالیسم  
کورش مدرسی  
اسفند ۱۳۸۳

مردم آزادیخواه ایران! نو و امید نو، روز امید به از طرف حزب کمونیست کارگری - حکمتیست نوروزتان را تبریک میگوییم.

دنیا هیچگاه اینقدر قابل شاد زیستن نبوده است و دنیا هیچگاه اینقدر برای اکثریت مردم جای محنت زائی نبوده است. انگار همه نیرو های تباهی و محنت دست اندرکارند تا دنیا را برای همه انسانهای شریف جهنم کنند.

نوروز روز شادی، روز و شادتر، هرچه باز تر و آرزوهای خوب، روز لباس علنی تر و ظاهر شدن



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۸ اسفند ۱۳۸۳ - ۱۸ مارس ۲۰۰۵

www.hekmatist.com

سردبیر: اعظم کم گویان



## جدال بر سر ۸ مارس امسال!

مهر نوش موسوی

mehrnousch@aol.com

رفراندوم و بستر اصلی مکمل آن، یعنی قوم پرستی، ناسیونالیسم، مذهب و سنت، مماشات و ساختن با اوضاع، خبری نبود. شور بود، امید به تغییر اوضاع بود، ادعاینامه علیه آپارتاید جنسی، علیه تبعیض و صفحه ۲

در تعدادی از مراسمهایی که به نام روز زن برگزار شد، آنقدر تلاشی شده بود که سیاست "رفراندوم" به فروش برسد، که ۸ مارس، از در دیگری بیرون رفته بود. بر عکس، در بسیاری از مراسمهای رزمنده و ۸ مارس، این روز در قامت و کاراکتر اصلی خودش به میدان آورده شده بود. از فروش



fateh\_sh@yahoo.com

## لبنان: بن بست سیاسی، نسبیت سیاسی!

صحنه جولان اسلام سیاسی است. جمهوری اسلامی در آن نفوذ زیادی بهم زده است. حزب الله لبنان محصول نفوذ جمهوری اسلامی از یکسو و دست اندازی اسرائیل از سوی دیگر است. اسرائیل بارها به لبنان تعرض نظامی کرد و سالها بخشهایی از آن را در اشغال داشت. مقاومت مسلحانه حزب الله در برابر تعرضات اسرائیل منبع

صفحه ۳

بحران لبنان به بن بست خطرناکی کشانده شده است. شکافی که یکماه پیش با ترور تکاندهنده حریری در سیاست و جامعه لبنان دهان باز کرد، طی این هفته در پی برگزاری چند تظاهرات متقابل توسط مخالفان و موافقان حضور سوریه، به جایی رسیده که تحول بعدی میتواند شبیه شروع انفجار در میدان مین باشد. لبنان خون چکان از سالهای جنگ داخلی، هنوز یک انبار باروت است. هر آن هر دست نامستولی میتواند ماشه کش فاجعه ای شود که نیروهای مسئول جامعه نه تنها قادر به مهارش نباشند بلکه نخستین قربانیان آن گردند.

جامعه لبنان از دوره بعد از جنگ جهانی دوم، سرزمین مردمانی سکولار و بهره مند از فرهنگ پیشرو و مدرن بوده است. طوریکه سویس خاورمیانه لقب یافته بود. اکنون

## کمپینی موفق بمناسبت ۸ مارس برای گسترش جنبش برابری طلبی زنان در ایران

طی روزهای ۲۸ فوریه تا ۱۰ مارس ۲۰۰۵ در کمپینی موفق برای گسترش آزادیخواهی و برابری طلبی، اعظم کم گویان در برنامه های زنده تلویزیون پرتو، برنامه های تلویزیونی رهایی زن و چند کانال تلویزیونی و رادیویی در لوس آنجلس آمریکا که رو به ایران برنامه پخش می کنند، به نقد اسلام و بی حقوقی زن، مبارزه آزادیخواهانه زنان در ایران و ارائه دیدگاههای سوسیالیستی

و برابری طلبانه در مورد زنان پرداخت . در روز ۲۸ فوریه در میزگرد تلویزیون پرتو بمناسبت ۸ مارس اعظم کم گویان همراه با ثریا شهبایی و آذر مدرسی به بحث پیرامون جایگاه ۸ مارس در مبارزه با جمهوری اسلامی و نقش آن در مبارزه برای آزادی و برابری، و اسلام و بیحقوقی زن پرداختند. در برنامه دوم تلویزیون پرتو در ۹ مارس اعظم کم صفحه ۳

## اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

در باره افزایش دستمزدها

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

که با حجاب از طریق اسید و دشنه به سر کار آمدند پایین کشید. این تبلیغات ربطی به جنبش ۸ مارس ندارد. ما مناسک‌هایی چون مراسم پلی تکنیک تهران و دانشگاه‌هایی که تلاش کردند روی دوش ۸ مارس، سیاست رفراندوم را بیارند و ببرند مردود اعلام می‌کنیم. این مناسک ربطی به روز جهانی اعتراض نسل ما و جنبش ما به تبعیض و خشونت نداشتند. ما دانشجویان مبارز دانشگاه علوم تربیتی تهران، شیراز و... را دعوت می‌کنیم صندلی زیر پای ۸ مارس بگذارند، صندلی زیر پای منشور سرنگونی نظام بگذارند. دانشگاه سنگر آزادی و برابری است نه لانه مخالفین و دشمنان آزادی و برابری! دانشجویان مبارز دانشگاه‌های دیگر و قطعنامه هایشان را الگوی خود کنید! ما از فعالین جنبش برابری طلبی دعوت می‌کنیم که به تلاش ما برای تامین، تقویت و ترمیم صف رهبری انقلابی در جنبش برابری طلبی هم در سطح سراسری و هم در محل بپیوندند و کمک کنند. جنبش ما رهبران صالح خود را میخواهد. منشور سرنگونی پلاتفرم این رهبری در شرایط حاضر است. جنبش باید این رهبری و این سیاست را انتخاب کند



لولوی دیگری به نام "رفراندوم" را به آنها قالب کرد. قانون اساسی را نمیتوان بدون پایین کشیدن قانونگذاران فعلی و منحل اعلام کردن کل دم و دستگاه قضایی، حقوقی، اجرایی، سیاسی و دولتی اسلام سیاسی تغییر داد. این سیاست ریاکارانه است. دروغ است. جمهوری اسلامی ذوب شدنی نیست. جمهوری اسلامی را نمیشود با تغییر چند مهره و با کمک آمریکا و دول غربی استحال کرد. این سیاست فریب، خود جزو فاکتورهای سناریوی سیاه است. نیرویی که به هر بهانه ایی اسلام سیاسی را از زیر دست و پای مبارزه و اعتراض مردم بیرون بکشد، به ماندن اسلام سیاسی در صحنه به عنوان یک عامل اصلی تهدید نظامی و ساختن بمب اتمی و جنگ داخلی کمک می‌رساند. مردم ایران را و زنان ایران را که مترصد دستگیری و محاکمه سران نظام به جرم جنایت علیه بشریت و خشونت ۲۵ ساله علیه زن هستند، جریتر میکند. ما میگوییم و اعلام می‌کنیم که مردم ایران باید بدانند که اگر سرنگونی و تصویری که ما در منشور خود از سرنگونی نظام داده ایم از دستور کار آنها خارج شود، احتمال ورود سناریوی سیاه به صحنه بسیار زیاد است. رفراندوم از نظر ما به همین خاطر، خود جزو بستر سازی این سناریو و سیاست عراقیزه کردن ایران است. جنبش برابری طلبی زن به شرطی به خواسته‌های خود دست می‌یابد که در کنار جنبش‌های اصیلتر جامعه و کنار آلترناتیو سرنگونی نظام قرار بگیرد. حجاب اجباری را نمیشود لغو کرد بدون اینکه سران نظامی را

پاشیده میشود، هر دو گروه به یک نتیجه گیری واحد برسند که پس راهی بجز تسلیم شدن، دست کشیدن از خواسته سرنگونی کامل نظام به این بهانه که نشدنی و نمانده و فقط با برگزاری رفراندوم میتوانند به جایی برسند. ما این پیش بینی را در باره جدالی که در ۸ مارس اتفاق خواهد افتاد، کرده بودیم. این جدال از ماهها قبل شروع شده بود. در ۸ مارس به اوج خود رسید. ناگفته نماند که نمایشهای جریانات فرقه ایی و چاخانه‌هایی که جملگی در باره پارک لاله و... کردند هم خنده دار دیدنی بود. مجاهد حتما در عملیات "مرصاد ۸" پشت یک درختی در پارک لاله عکس رئیس جمهورش را آویزان و ۸ مارس را برپا کرده بود، بقیه هم الگوی تبلیغاتشان همین الگوی مجاهد بوده و هست. معلوم نیست عکس و شعارشان را اگر نمیشود روز روشن دست کسی بدهند، چرا اصلا با این مکافات روی یک کلوخی می اندازند، عکسش را میگیرند تا برای مصرف داخلی، صفوفشان را قوت قلب بدهند! اینها نقشی کلا در جدال اساسی که در ۸ مارس صورت گرفت نه قبل، نه در متن و نه بعدش نداشتند، جریاناتی به غایت غیراجتماعی و حاشیه ایی در یک متن اصلی هستند که لیست آرزوهایشان را به هم به عنوان "تلاش" نشان میدادند و با هم سرگرم بازی رقابت بودند. اینها فقط میتوانند به عنوان پارازیت‌هایی برای اذیت و آزار و خراب کردن صفحه مبارزه سازمان یافته جنبش اجتماعی ۸ مارس عمل کنند. جدال اصلی میان افق و سیاست چپ و

خشونت به زن، علیه قوانین اسلامی و خشونت بار حاکم بود. مراسمهای ۸ مارس امسال را به همین خاطر باید از جدال و از رنگی که افق و سیاستهای مختلف جنبش‌های اجتماعی، تلاش کردند به آن بزنند، قضاوت کرد. در یک کلام میشود گفت که ما در ۸ مارس ۸۳ با تعدادی از تجمعات اعتراضی مواجه هستیم که علیه خشونت به زن و فی الواقع علیه نظام خشونت طلب و زن ستیز حاکم برگزار شد و از سوی دیگر با تعدادی مناسک هم تحت نام ۸ مارس مواجه هستیم که با فراخوان از دستور خارج کردن مسئله سرنگونی نظام و جایگزینی آن با رفراندوم و انقلاب مخملی برگزار شد. اینها آمده بودند تا این بار به جای دوم خرداد و بهانه "اصلاح نظام"، "تهدید نظامی" و فروش سیاست "رفراندوم" را مبنایی برای تشویق مردم به دست شستن از مبارزه، کوتاه آمدن و آماده کردن زمینه برای بند و بست و سازش بکنند. چنان دم از تهدید نظامی آمریکا میزدند و چنان نتیجه گیری از این موضوع میکردند که گویی حقیقتا برایشان این تهدید نظامی برکت است. بیهوده نیست که کل صف رفراندوم طلبان را شبکه ایی از نیروهایی تشکیل میدهد که در یک تقسیم کار ولو خودبخودی، علیه منفعت مردم به دو گروه به ظاهر مجزا تقسیم شده اند. اولی به بوش نامه فدایت شوم مینویسد، عاجزانه از درگاه وی تقاضای حمله نظامی میکند، دومی خود بوش، تبلیغات گروه اول و نفس وجود این تهدید را به مردم نشان داده، تا بعدا روی تخم استیصالی که

**به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست بپیوندید!**

بقیه از صفحه ۱

جذب نیرو و سرچشمه توجیه سلطه میلیس و مافیای آن بر بخشی از مناطق ("شیعه نشین") لبنان بوده و هنوز هست. نیروهای نظامی و امنیتی سوریه سه دهه است که بر لبنان حکومت میکنند و به نوبه خود به جریانات وابسته ای نظیر "امل" نبیه بری شکل داده اند. به این ترتیب، لبنانی که پیشرفته ترین تکه خاورمیانه بود در مگنه جدال عقبمانده ترین جریانات قومی و مذهبی و دخالت نظامی دولتهای همسایه به مخروبه بدل شد.

مردم لبنان شوکه از ترور رفیق حریری، این روزها بر لبه تیغ وحشت از تجدید جنگ داخلی و امید به نجات از این گذشته

خونبار راه میروند. بخش بزرگی از شهروندان جامعه بدون شک خواهان خاتمه یافتن سلطه نیروهای نظامی و امنیتی سوریه و میلیشیای حزب الله و امل بر حیات سیاسی و

اجتماعی شان هستند. شعار خروج کامل نیروهای سوریه قبل از انتخابات ماه مه فرمول توهم آلود چنین خواستی است. بر موج این خواست موجه است که ائتلاف اپوزیسیون مرکب از طرفداران حریری و جنبلاط قادرند چنین جمعیت بزرگی را به خیابان بیاورند. از طرف دیگر بر متن نارضایتی بخش دیگری از جامعه از سیاست های آمریکا و اسرائیل در قبال مساله فلسطین و اشغال عراق است که حزب الله هم توانسته است جمعیتی حدودا در همان مقیاس بزرگ را بدنبال خود بکشد. برگزاری متقابل تظاهرات های گسترده این دو قطب در روزهای گذشته به نوعی مسابقه نمایش قدرت و جنگ ایمیح شکل داد که جامعه را شدیداً نگران کرده است. بعد چه؟ این نمایش قدرت تا کی؟ مضمون بن بست کنونی لبنان نبودن جواب روشن به این سوال است.

جواب این سوال را نیروی

سومی میتواند بدهد که در همان مقیاس اجتماعی قادر به بسیج توده ای باشد. چنین نیروی سیاسی سومی در صحنه حضور ندارد، اتحادیه های کارگری هرچند هرازگاه ابراز وجود کرده اند اما در فقدان حزب سیاسی دخیل در جدال اجتماعی قدرت، نتوانسته اند پا از دایره گروه فشار احزاب دیگر بودن بیرون بگذارند. جامعه لبنان نیازمند نیرویی است که پرچمدار تحقق خواست مردم برای خروج از بحران و بن بست موجود و برقراری یک نظام سیاسی سکولار بجای آن باشد.

### نسبیت سیاسی

دولت آمریکا با دخالت ماجراجویانه در سیاست روز لبنان، نسبیت سیاسی آشکاری را به نمایش گذاشته است. آمریکا خود حاضر نیست هیچگونه موعدی برای خروج از عراق و خاتمه دادن به اشغال آن کشور اعلام کند، اما از سوریه میخواهد که تا انتخابات ماه مه همه

نیروهایش را از لبنان خارج کند. تا جایی که به توافقات نماینده کوفی انان و دولت سوریه بر سر جدول زمانی خروج هم واقعی نمیکند. آمریکا خواهان خروج فوری سوریه از لبنان است، اما حاضر نیست به اسرائیل برای خاتمه دادن به اشغال سرزمینهای فلسطینی فشاری وارد آورد. سیاست ماجراجویانه آمریکا در قبال سوریه و لبنان دفاع از دمکراسی نیست، دفاع از یک نسبیت سیاسی وقیح و ناموجه است و میتواند به تجدید جنگ داخلی در لبنان منجر شود.

مادام که اسرائیل سر از صلح و به رسمیت شناختن دولت فلسطین و پایان دادن به اشغال سرزمینهای فلسطینی باز زند، سوریه و حزب الله همچنان توجیه کافی برای جلب حمایت توده ای از خود در دست خواهند داشت. مادام حل عادلانه و شامل و کامل مساله فلسطین به تعویق بیفتد و مادام عراق در اشغال آمریکا بماند، حزب



بقیه از صفحه ۱

گویان همزمان با پخش یک اسلاید شو ابتدا گزارشی از مراسمهای ۸ مارس در ایران و خارج ارائه داد. در ادامه به سوالات محمود زندگی درباره ستمکشی زن در ادیان مختلف، اسلام و بی حقوقی زنان در ایران و خاورمیانه پاسخ داد.

بخش عمده این کمپین تبلیغی با تلاش مسولین تلویزیون رهایی زن مینو همتی و اسعد کوشا به پیش رفت. برنامه تلویزیونی رهایی زن در روزهای ۳ و ۱۰ مارس به مصاحبه با اعظم کم گویان اختصاص داشت. در برنامه

اول، ابتدا فیلم تسلیم اثر تئو وان گوگ فیلمساز هلندی با صدا گزاری و ترجمه فارسی پخش شد. سپس اعظم کم گویان به سوالات مینو همتی در باره زندگی و فعالیتهايش، ۸ مارس در ایران و خشونت اسلامی به زنان پاسخ داد. در برنامه دوم ابتدا یک اسلاید شو جالب از مراسمها و تظاهراتهای ۸ مارس امسال همراه با گزارش مینو همتی از این مراسمها پخش شد. سپس اعظم کم گویان در پانلی با شرکت پرتو نوری علا شاعر و نویسنده آزادخواه به بحث پیرامون بندهای قطعنامه ۸ مارس امسال سندی و پیش شرطها، موانع و مکانیسم های

رهایی زن را ایران، قوانین اسلامی و خشونت به زن در محیط های اسلامی پرداخت.

در ادامه این کمپین، تلویزیون پارس برنامه هما احسان، رادیو صدای ایران و تلویزیون NITV با اعظم کم گویان در مورد زندگی و فعالیتهايش، جنبش رهایی زن در ایران، جایگاه ۸ مارس در مبارزه برای آزادی زنان در ایران، فمینیسم اسلامی، بی حقوقی زن در ادیان بخصوص اسلام و چگونگی و مکانیسمهای رهایی زنان پرداختند. در این برنامه ها پیام اعظم کم گویان به زنان و مردان آزادخواه در ایران نیز پخش شد. در

مصاحبه NITV بخشهایی از فیلم مراسم ۸ مارس امسال در سینما بهمن سندی برگرفته از سایت جامعه حمایت از زنان پخش شد و بر متن آن اعظم کم گویان به خصوصیات و مختصات جنبش برابری طلبانه و آزادخواهانه زنان در ایران پرداخت.

مجموعه این برنامه ها، فیلمها و گزارشات مورد توجه مردم آزادخواه و علاقمندان قرار گرفت.



### تغییر ساعت و روز برنامه تلویزیون پرتو

برنامه های پرتو روزهای چهارشنبه ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ شب به وقت تهران (۵ تا ۶ بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی و ۸ تا ۹ صبح به وقت امریکای غربی) از شبکه کانال یک روی ماهواره تکه استار ۱۲ پخش میشود. این برنامه پنجشنبه ها ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ صبح تهران مجددا پخش میشود.

به سازمان جوانان کمونست - حکمتیست به پیوندید!

## اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیست

### در باره افزایش دستمزدها

در مقطع تعیین دستمزدها هستیم. شرایط زندگی کنونی که به کارگران ایران تحمیل شده است را نمیشود بخور و نمیر هم بحساب آورد، فقر و گرسنگی مطلق است. در یک خانواده کارگری ایرانی زن اگر کار نداشته باشد که اکثرا ندارند، کارگر بیکار به حساب نمیآید و مخارج زندگی کل خانواده بر عهده تنها نان آور خانه است. پیشنهاد افزایش کنونی یعنی تا سطح ۱۴۶ هزار تومان، در آستانه فصل تعیین دستمزدها تازه به نسبت خط فقر اعلام شده از طرف دولت که ۳۰۰ هزار تومان است یعنی حدود ۱۶۰ هزار تومان پایین تر از خط فقر و این بردگی محض است!

طرح قسط بندی افزایش دستمزد و پرداخت آن در مدت ۴ سال هم که مجددا مطرح شده است به غایت فریبکارانه و ضدکارگری است. این طرح که پس از گذشت یکسال هم هیچگاه کارفرما و دولت به آن پایبند نبوده اند، از جانب طبقه کارگر کاملا مردود است.

مخارج یک خانواده ۵ نفره کارگری بر اساس تورم و یک زندگی نرمال در آستانه سال ۸۴، سه برابر دستمزد اعلام شده کنونی

یعنی حداقل ۴۵۰ هزار تومان در ماه است. و این ربطی به مزایا و کمک هزینه های اجتماعی وسابقه و سختی کار و غیره ندارد. تازه این به نسبت تورم و افزایش روزافزون قیمتتها هنوز پایین و عقب است. افزایش ۳ برابری دستمزد فعلی بنا به معیار دولت یکدوره بالای خط فقر است. اینکه ما تلاش کنیم که سطح زندگی کارگر به خط فقر و کمی بالا تر برسد خود یک فاجعه است.

تنها مرجع صلاحیت دار برای تعیین دستمزد پایه و افزایش آن خود کارگران و نمایندگانشان است. هیچ نهاد و ارگانی حق دخالت در این مساله را ندارد. این امری پذیرفته شده در روابط کار و سرمایه در جهان و امری بدیهی و طبیعی است. وزارت کار، شوراهای اسلامی و خانه کارگر تا کنون نشان داده و ثابت کرده اند که نه تنها هیچگونه منافی از کارگر را نمایندگی نمیکند، بلکه ضد کارگریند.

آزادی تشکل و اعتصاب حق بی پروبرگرد کارگران است. در غیاب این آزادیها و بدون مجامع عمومی و شوراها و سندیکاها، طبقه کارگر محکوم به زندگی برده وار و خانواده های کارگری محکوم به فقر و گرسنگی مطلق شده اند. آزادی تشکل و اعتصاب یک شرط اساسی و یک ابزار تحقق افزایش

دستمزد به میزان ۳ برابر دستمزد اعلام شده تا کنونی است.

جنبش کارگری با معضلات و مسایل متعددی روبرو است. یک قانون کار بی ربط به منافع کارگر نوشته شده که سند بردگی طبقه کارگر است، کار قراردادی موقت در سطح وسیعی (۷۵ درصد) گسترش یافته، طرح تعدیل و تعطیل و خصوصی سازی، اخراجهای دائمی، دستمزدهای موقفه، عدم تأمین اجتماعی و بیمه بیکاری و غیره... همه اینها معضلاتی است که بخشا به سرنوشت رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی و قوانین سرمایه داری و برده دارانه اش گره خورده است. کسب هر میزان پیروزی در این جدال دائمی با کارفرماها و حامیانشان بدون بدست آوردن آزادی تشکل و اعتصاب، مشکل و گاه غیرممکن است.

در آستانه سال ۸۴ مبارزه برای افزایش دستمزدها به راس همه وظایف و مطالبات کارگری آمده است. به درجه ای که مبارزه بر سر دستمزد پایه و خود دستمزد باشد به همان درجه زندگی کارگران در نبردها و جبهه های متعدد و از این یکی به آن یکی نجات پیدا میکند.

پاسخ به کارفرما و حامیانشان، اگر نمایندگان واقعی کارگران را سر میز مذاکره برای افزایش

دستمزدها نپذیرند و به مطالبه افزایش ۳ برابری دستمزد روی خوش نشان ندهند، میتواند اعتصاب سراسری و هماهنگ میلیونها کارگر باشد. این کاری عملی و شدنی است. اگر از زاویه موقعیت و شرایط کار و زندگی کارگران و پراکندگی و بی سازمانی آن به مساله توازن قوا نگاه کنیم، موقعیت نامناسب و وضعی است. کارگر را به شدت به عقب رانده اند و به فلاکت و گرسنگی کامل دچار و به نان روزانه محتاجش کرده اند. تشکل و اعتصابش را ممنوع و نیروی مبارزه اش را گرفته اند. این شرایط را رژیم به کمک نیروی پلیسی و انتظامی و حراست و ارگانهای کنترل کننده مانند شوراها و اسلامی و خانه کارگرش به کارگران تحمیل کرده است.

اما این شرایط به شدت شکننده و قابل تغییر است. رژیم اسلامی در یک بحران همه جانبه و لاعلاج دست و پا میزند و زیر ضرب جنبش آزادیخواهی و برابری طلبانه مردم و اتفاقا گسترش جنبش اعتراضی کارگران و فشار افکار عمومی بین المللی است. باید از فرجه هایی برای عقب زدن فشار اقتصادی و سیاسی بر کارگران استفاده کرد. یکی از این فرجه ها دامن زدن به یک جنبش و اعتصاب سراسری برای افزایش

دستمزدها نپذیرند و به مطالبه افزایش ۳ برابری دستمزد روی خوش نشان ندهند، میتواند اعتصاب سراسری و هماهنگ میلیونها کارگر باشد. این کاری عملی و شدنی است. اگر از زاویه موقعیت و شرایط کار و زندگی کارگران و پراکندگی و بی سازمانی آن به مساله توازن قوا نگاه کنیم، موقعیت نامناسب و وضعی است. کارگر را به شدت به عقب رانده اند و به فلاکت و گرسنگی کامل دچار و به نان روزانه محتاجش کرده اند. تشکل و اعتصابش را ممنوع و نیروی مبارزه اش را گرفته اند. این شرایط را رژیم به کمک نیروی پلیسی و انتظامی و حراست و ارگانهای کنترل کننده مانند شوراها و اسلامی و خانه کارگرش به کارگران تحمیل کرده است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیست  
۲۰ اسفند ۸۳ (۱۰ مارس ۲۰۰۵)

## راديو پرتو روی طول موج کوتاه!

هر شب از ساعت ۹ بوقت تهران به مدت نیم ساعت

SW 49 Meter 5810 KHZ

Tel: 0046 707 399 868

طول موج و برنامه های راديو پرتو را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید

www.radiopartow.com

# مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!